

به روایت اول شخص

نقد متون سیاسی

سید صادق حقیقت

■ اشاره: دکتر سیدصادق حقیقت، عضو هیات علمی دانشگاه مفید، یکی از استادان سرشناس نقد در حوزه علوم انسانی و به‌خصوص علوم سیاسی به شمار می‌رود. او کتاب‌های متعددی در حوزه علوم سیاسی دارد که از جمله مهم‌ترین آنها کتاب روش‌شناسی علوم سیاسی است. از وی کتابی با عنوان «نقد متون سیاسی» زیر چاپ رفته است که نقد ۱۷ کتاب در حوزه علوم سیاسی اسلامی را در برمی‌گیرد. آنچه می‌خوانید توضیحاتی درباره این کتاب به قلم صادق حقیقت است:

«نقد متون سیاسی» کتابی است شامل نقد ۱۷ متن اسلامی که عمدتاً سیاسی هستند و بعضاً در حوزه علوم اجتماعی قرار می‌گیرند. در بخش اول که «بررسی و نقد قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام» نام دارد، با همکاری «دکتر احمد بستانی» به نقد اثر پرارزش «دکتر داود فیحری» پرداخته‌ام. نقد کتاب ایشان در واقع حاصل چندین جلسه بحث با وی و مصاحبه با افرادی همچون «فرد دالمایر» و «جورج مک‌لین» بوده است.

در بخش دوم کتاب نیز به بررسی و نقد کتاب دیگری از دکتر فیحری با عنوان نظام سیاسی و دولت در اسلام پرداخته‌ام که باید در اینجا بگویم که این کتاب از آن جهت اهمیت دارد که منبع درسی با همین عنوان در رشته علوم سیاسی قرار گرفته است. همچنین در بخش سوم کتاب خویش به نقد کتاب اسلام، سنت، دولت مدرن، اثر «دکتر سیدعلی میرموسوی» پرداخته‌ام. بخش چهارم به بررسی و نقد هرمنوتیک، کتاب و سنت، تألیف حجت‌الاسلام محمد مجتهد شبستری اختصاص دارد. کتابی که در اصل سیاسی نیست اما به جهت مباحث اجتماعی و روش‌شناسانه، در این مجموعه قرار گرفته است. در بخش بعد، کتاب سکولاریسم اسلامی از «دکتر منصور میراحمدی» بررسی شده است.

ایمن نکته را هم باید متذکر شوم که چون بسیاری از نقدهای مربوط به سکولاریسم اسلامی در نقد فوق جای نمی‌گرفت، بخش ششم به آن افزوده شد تا آرای عرفی گرایانه اندیشمندانی همچون دکتر مهدی حائری، استاد شبستری و استاد مصطفی ملکیان نیز مورد بررسی قرار گیرند. در بخش هفتم کتاب، بحث وجوب تحزب مورد بررسی قرار گرفته است و در بخش هشتم به عنوان «اندیشه سیاسی ملاصدرا و حکمت سیاسی متعالیه» نه‌تنها کتابی از دکتر نجف لک‌زایی، بلکه مدعای آیت‌الله جوادی آملی و دکتر محمدناصر تقوی نیز مورد بررسی قرار گرفته‌اند. همچنین در بخش بعدی با توجه به برداشت‌های بسیار متفاوتی که از اندیشه سیاسی شیخ انصاری، آیت‌الله خوئی و آیت‌الله بروجردی وجود داشت، باعث شد تا بخشی را با عنوان «محدوده ولایت» بنگارم. در این نوشتار، دیدگاه‌های آیت‌الله معرفت، استاد هادوی و آقای علی ابوالحسنی مورد بررسی قرار گرفته است.

بخش دهم کتاب به بررسی و نقد کتاب نظریه‌های دولت در فقه شیعه از دکتر کدیور اختصاص دارد. همچنین مبانی اندیشه سیاسی در اسلام نوشته آیت‌الله عباسعلی عمید زنجانی در بخش بعدی کتاب مورد سنجش قرار گرفته است. بخش دوازدهم و سیزدهم که به بررسی و نقد کتاب جامعه‌شناسی معرفت و مقدمه کتاب «روش در علوم اجتماعی: رویکردی رئالیستی» مربوط می‌شود، پیش‌تر در قالب یک مقاله با عنوان «قدهای مشابه به متن‌هایی متفاوت: بررسی متونی در حوزه اسلامی‌سازی معرفت»، در مجله علوم سیاسی، به چاپ رسیده بود.

ایمن دو متن در رویکرد حداکثری به دین و اسلامی‌سازی معرفت اشتراک دارند. کتاب جامعه‌شناسی معرفت: جستاری در تبیین رابطه ساخت و کنش اجتماعی و معرفت‌های بشری، حاصل کوشش جمعی از محققان پژوهشگاه حوزه و دانشگاه است؛ نهادهی که هدف خود را نسبت‌سنجی دانش اجتماعی و دین اسلام قرار داده‌اند. در بررسی و نقد این کتاب بیش از آنکه خواسته باشم اصل مسأله اسلامی‌سازی را مطرح کنم، به بحث ناتمام این کتاب و مقدمه حجت‌الاسلام والمسلمین پارسایان بر کتاب آندرواسایر پرداخته‌ام.

همچنین در بخش بعدی به نقد کتاب بنیادهای علم سیاست، اثر دکتر «عبدالرحمن عالم» پرداخته‌ام. نقد این کتاب از این جهت اهمیت دارد که به عنوان متن درسی کارشناسی علوم سیاسی معرفی شده است.

در بخش بعدی کتاب با توجه به اینکه دکتر صادق زیباکلام در پاسخ به سؤال مقیبه‌اندگی، استبداد را مطرح می‌کند، به معرفی و نقد کتاب «ما چگونه ما شدیم؟» ایشان پرداختم.

دو فصل پایانی کتاب به «بررسی و نقد نظریه‌های انقلاب اسلامی» و «اسبب‌شناسی علوم انسانی در ایران» اختصاص دارد. در بررسی نظریه‌هایی همچون توطئه، مدرنیزاسیون، مذهب، استبداد، اقتصاد و نظریه پسامدرن، سعی شده نظریه جدیدی با عنوان نظریه رهبری مذهبی، به عنوان بدیل نظریه‌های قبل ارایه شود. نقد این نظریه‌ها و نظریه بدیل آن در دو کتاب و یک مقاله صورت پذیرفته است. به‌واقع، جملگی آثاری که در این مجموعه مورد بررسی قرار گرفته‌اند، از ارزش علمی والایی برخوردارند؛ و نقد آنها جز به بالا رفتن عیارشان نمی‌انجامد.

اسروزه سخن گفتن از مزایای خاطره‌نویسی شاید زیاده‌گویی باشد. شاید کمتر کسی باشد که از حسنت و مزایای خاطره‌نویسی و ارزش آن برای تاریخ تا اندازه‌ای مطلع نباشد. اما اگر به چند دهه پیش بنگریم و شخصیتی سیاسی را با انبوهی از گرفتاری‌ها و مشغله‌های کلان مملکتی – از داخلی تا خارجی – ببینیم و بدانیم که خود را سخت مقید به نوشتن خاطرات روزانه هم می‌داشته نخواهیم توانست خودداری کنیم و به تحسین این فکر برنماییم و از پا فشردن نویسنده بر نگارش روزانه خاطراتش در آن زمانه و در گیرودار آن همه مشغله‌ها ابراز شگفتی نکنیم. یادداشت‌های «امیراسدالله علم» که چاپ تازه‌ای از دوره شش‌مجلدی آن را انتشارات «کتاب‌سر» در تهران به تازگی منتشر کرده، منظور و مقصود از توضیحات بالاست.

این سلسله یادداشت‌ها در سال ۱۳۴۷ آغاز شده، که ۴۴سال پیش است و به سال ۱۳۵۶ پایان یافته است. تابستان سال ۱۳۵۶ که یادداشت‌ها به پایان می‌رسد زمان کنار رفتن اسدالله علم از سمت وزارت دربار «محمدرضاشاه» است. او در آن تاریخ در جنوب فرانسه در حال معالجه بیماری جانکاه سرطان خون بود که با تلفن شاه از کار برکنار شد. علم می‌نویسد حال که دیگر امکان زیارت روزانه شاه محبوبش را ندارد یادداشت‌ها را به پایان برده چراکه دیگر چیز خاصی برای نوشتن ندارد و اخبار معمولی را هم روزنامه‌ها می‌نویسند و هرکس خواهان آن باشد خواهد توانست از راه مطالعه روزنامه‌ها از این‌باره که در آن زمان چه می‌گذشته با خبر شود. به این ترتیب یادداشت‌های علم در مجلد ششم به پایان می‌رسد.

اما این دوره شش‌جلدی که اینک یک‌جا به چاپ رسیده، بی‌گمان یکی از معتبرترین اسناد تاریخ معاصر ایران است و باز هم بی‌گمان وقتی دهها و سدها بگذرد همچنان یکی از اسناد و منابع معتبر و دست اول برای شناخت دستگاه حکومت محمدرضا شاه و روزگار او خواهد بود. اعتبار منحصر به فرد این یادداشت‌ها البته با گذشت زمان اصلا کم نخواهد شد.

کم نیست کتاب‌های خاطراتی که خصوصاً در سه دهه بعد از انقلاب اسلامی درباره رژیم پهلوی نوشته و منتشر شده است. شماری از صاحبان‌منصب یا حتی زنان و مردانی که صاحب‌منصبی نبوده‌اند در دهه‌های جاری خاطرات خود را از اوضاع و احوال رژیم پهلوی و ایران

کتاب «هبانی فهم علم حقوق» در آمَدی بر فلسفه

حقوق، کاری است از «سیدمحمدامین موسوی» که در چهار بخش تدوین شده و هم‌اکنون چاپ نخست آن منتشر و در دسترس خوانندگان قرار گرفته است. در مقدمه کتاب آمده که فیلسوف حقوق، بسان پزشک جامعه حقوقی، بیماری‌ها و نارسایی‌ها جامعه را خواهد شناخت و راه‌حلی که ارایه می‌کند، به مراتب عالمانه‌تر و کارگشایر خواهدبود.لذا مطالعهفلسفهحقوق بسان مقدمه فهم حقوق، ضرورتی است که دانش‌آموخته حقوق، نباید از آن غافل شود چرا که تفسیر صحیح حقوق در پرتوی این فهم میسر است. این کتاب در آمَدی بر فلسفه حقوق است که می‌خواهد در کنار تبیین ضرورت و اهمیت فلسفه حقوق، در کنار تشریح اندیشه‌های متکثر حقوقی، دیدگاه و فهمی از ماهیت حقوق ارایه دهد که هم با ذایقه اعتقادی، اخلاقی، مذهبی و بومی هماهنگ باشد

این دو متن در رویکرد حداکثری به دین و اسلامی‌سازی معرفت اشتراک دارند. کتاب جامعه‌شناسی معرفت: جستاری در تبیین رابطه ساخت و کنش اجتماعی و معرفت‌های بشری، حاصل کوشش جمعی از محققان پژوهشگاه حوزه و دانشگاه است؛ نهادهی که هدف خود را نسبت‌سنجی دانش اجتماعی و دین اسلام قرار داده‌اند. در بررسی و نقد این کتاب بیش از آنکه خواسته باشم اصل مسأله اسلامی‌سازی را مطرح کنم، به بحث ناتمام این کتاب و مقدمه حجت‌الاسلام والمسلمین پارسایان بر کتاب آندرواسایر پرداخته‌ام. همچنین در بخش بعدی به نقد کتاب بنیادهای علم سیاست، اثر دکتر «عبدالرحمن عالم» پرداخته‌ام. نقد این کتاب از این جهت اهمیت دارد که به عنوان متن درسی کارشناسی علوم سیاسی معرفی شده است.

در بخش بعدی کتاب با توجه به اینکه دکتر صادق زیباکلام در پاسخ به سؤال مقیبه‌اندگی، استبداد را مطرح می‌کند، به معرفی و نقد کتاب «ما چگونه ما شدیم؟» ایشان پرداختم.

دو فصل پایانی کتاب به «بررسی و نقد نظریه‌های انقلاب اسلامی» و «اسبب‌شناسی علوم انسانی در ایران» اختصاص دارد. در بررسی نظریه‌هایی همچون توطئه، مدرنیزاسیون، مذهب، استبداد، اقتصاد و نظریه پسامدرن، سعی شده نظریه جدیدی با عنوان نظریه رهبری مذهبی، به عنوان بدیل نظریه‌های قبل ارایه شود. نقد این نظریه‌ها و نظریه بدیل آن در دو کتاب و یک مقاله صورت پذیرفته است. به‌واقع، جملگی آثاری که در این مجموعه مورد بررسی قرار گرفته‌اند، از ارزش علمی والایی برخوردارند؛ و نقد آنها جز به بالا رفتن عیارشان نمی‌انجامد.



آن زمان نوشته و در اختیار عموم قرار داده‌اند. گفتن این هم تازگی ندارد که از راه برخورداری از همین کتاب‌های خاطرات، آگاهی تاریخی، درباره پهلویان و ایران عصر پهلوی روشنایی و قوتی گرفته که با دوره‌های پیشین در تاریخ سیاسی ایران معاصر و نیز دوره‌های پیشین تاریخ، قابل قیاس نیست.

اما یادداشت‌های علم از منابع منحصر به فرد تاریخ سیاسی معاصر ایران است، نگارنده

یادداشت‌ها – شخص اسدالله علم – هم گفته است که هدفش از نوشتن خاطرات

روزانه کاری است جز نوشتن وقایع روزمره. او می‌خواهد چنان که خود می‌گوید تلألویی از چهره شخص محمدرضا شاه را نقش بزند و انصافاً هم این کار را با استادی یک نقاش زبردست کرده است. ارزش ویژه این دوره خاطرات هم درست در همین نقاشی از آخرین شاه تاریخ ایران

کتاب

نگاهی به «یادداشت‌های علم»

پایان پهلوی به روایت علم

محمود مشرقی



است. وقایع روزانه آن سال‌ها کم‌وبیش در روزنامه‌ها و منابع دیگر ثبت شده و دور از دسترس نیست. همت علم به نگارگری چهره شاه با تمام خوبی‌ها و بدی‌هایش ویژگی و ارزش این یادداشت‌هاست.

اسدالله علم در یادداشت‌هایش سودای ماندگار کردن نام و نشان و برشمردن فضیلت‌ها و پوشاندن عیب‌های خود و دوستاش را ندارد. نه پراوی از بیان کژی‌ها و ناراستی‌های خود و دوستتاش و حتی شاه محبوبش را دارد. این امتیاز کمی نیست. شاید به ندرت بتوان دیگری را پیدا کرد که در کار خطیر نوشتن و برجا گذاشتن سند‌مکتوب به‌این صق و درستی و حتی با این جسارت عمل کرده باشد. این تبلیغ نیست، بیان واقع است. شخص تا ایمن یادداشت‌ها را نخوانده باشد به نظرش این یادداشت‌ها ناقص و درستی و حقیقت این مقصود، واقف نخواهد شد. و آن گاه که خواند هم بی‌گمان طعم آن صداقت و یکرنگی را که در

فلسفه و حقوق

عوامل سازنده حقوق می‌پردازد و به بحث در خصوص رابطه فلسفه، انسان‌شناسی، اخلاق، مذهب، فرهنگ و اقتصاد با محتوای حقوق می‌شیند و از این رهگذار وارد بحث بر سر مفهوم اخلاق، عدالت، قدرت و... می‌شود. در بخش چهارم و پایانی کتاب به نتیجه‌گیری و بحث بر سر تعریف حقوق و فهم علم حقوق پرداخته می‌شود و اینکه بسیاری از اختلاف‌های حقوقی، ریشه در مبانی اعتقادی یا فلسفی نظام حقوقی دارد و فهم این اختلاف‌ها در پرتوی فهم این مبانی است که در فلسفه حقوق مفهوم می‌شود. در این فصل به مباحثی درخصوص رابطه حق و قانون، اصل تغییرپذیری حقوق، تکوین حقوق و نقض حقوق، فهم حقوق، مرگ حقوق و تعویض حقوق، تکریم حقوق و تسورم قانونگذاری، اختلاف‌های حقوقی و مبانی حقوق، جامعه حقوقی و علم حقوق پرداخته می‌شود.

پروازتن به کلیات نظرات هر دو مکتب، به تبیین مفهوم و ماهیت حق پرداخته می‌شود و بعد از تبیین اختلاف‌های دو طرف گفت‌وگو، نظر مولف در خصوص ماهیت حقوق آورده شده که به زعم نویسنده، تکثر نظام‌های حقوقی را توجیه و تبیین می‌کند و آرمان‌گرایی و اخلاقی‌محوری اندیشه حقوق طبیعی را در کنار داده‌های پوزیتیویستی، مفهوم می‌کند.بخش سوم نیز به‌مهم‌ترین

کتاب «اسلام، علم مسلمانان و فناوری» گفت‌وگوی دکتر سیدحسن نصر با دکتر اقبال شامل سه بخش مجزاست که با هم ارتباط درونی دارند و به تبیین ابعاد ارتباط میان اسلام، علم و فناوری می‌پردازد. اما خصوصیت مهم کتاب این است که دو نماینده از کشورهای با پیشینه فرهنگ و تمدن اسلامی (سیدحسن نصر و مظفر اقبال) که هر دو خارج از کشور خود زندگی می‌کنند و دارای تحصیلات در نظام آموزش سنتی و نیز دانشگاهی مدرن هستند و از سوی دیگر پژوهش‌های جدی هم نسبت به نظام معرفتی اسلامی خود داشته‌اند، در برابر هم نشستند تا به واکاوی علمی، فلسفی و دینی مواجهه اسلام و جوامع اسلامی با علم و فناوری مدرن بپردازند. فصل نخست، شامل دو بخش است که زمینه را برای چهار مباحثه بعدی آماده می‌کند. مظفر اقبال در پیشینه بحث پیش‌زمینه‌های این مباحثات را آشکار می‌کند و آنها را در متن گفت‌مان گسترده‌تری

از اسلام و علم قرار می‌دهد. هستی، موضوع کاوش علمی در دیدگاه سید حسین نصر، بیانگر ابعاد متنوع ارتباط میان خدا، هستی و انسان است و شاکله نظری مباحثاتی را که در فصل دوم آمده‌اند، تشریح می‌کند. فصل دوم شامل چهار مباحثه خاصه گونه میان سیدحسن نصر و مظفر اقبال است که نخست در مجله اسلام و علم منتشر شده است. این مباحثات پیرامون مسائیل مختلفی است از جمله ارتباط میان اسلام و

سال نهم ■ شماره ۱۵۶۷

نگاه

نگاهی به «زنانگی و روایت‌گری در هزار و یک شب» نوشته فرهاد مهندس‌پور

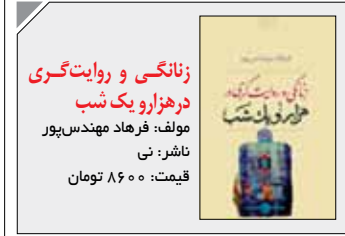
کتاب بالینی تخیل

بها،الدین مرشدی

■ «زنانگی و روایت‌گری در هزار و یک شب» نوشته «فرهاد مهندس‌پور» همان‌گونه که از نامش بر می‌آید به کتاب مهم «هزار و یک شب» پرداخته است و تکنیک‌های روایت‌گری و قصه‌پردازی را در این کتاب جست‌وجو کرده و آن‌ها را به خواننده نشان داده است. از دو منظر به این کتاب نگاه می‌کنم، یکی «اسطوره و کارکردهای آن در هزار و یک شب» و دیگری «کشف تخیل‌پروری در هزار و یک شب». در کتاب مهندس‌پور جمله‌ای هست که ما را به جهان اسطوره‌ای «هزار و یک شب» وارد می‌کند و شکل اسطوره‌پردازی در این کتاب را نشان می‌دهد: «هزار و یک شب به چند خاستگاهی اسطوره‌ای دارد، نقطه ذوب اسطوره نیز هست.هزار و یک شب اسطوره را روزمره می‌کند...» (ص ۶۲) این جمله در فصل نخست این کتاب آمده. فصلی که مهندس‌پور در آن به بنیادهای اسطوره‌ای و بن اندیشه‌های این کتاب کهن پرداخته و خواننده را به اسطوره‌های ایران باستان ارجاع می‌دهد که هر کدام به گونه‌ای به کتاب «هزار و یک شب» راه پیدا کرده‌اند.

اما نکته مهم و قابل توجه در این کتاب کهن این جمله مهندس‌پور است کههزار و یک شب در عین حالی که از اسطوره‌ها استفاده می‌کند در عین حال آن‌ها را روزمره می‌کند. اما روزمره کردن اسطوره چه حسنی می‌تواند داشته باشد؟ یکی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که می‌توان برای آن برشمرد کارکردی و قابل لمس‌شدن اسطوره است. اگر به اسطوره با نگاهی کلاسیک نگاه کنیم به خودی خود دور از دسترس و دور از ذهن به نظر می‌رسد اما به محض اینکه اسطوره کارکردی روزمره به خود می‌گیرد، عین‌تر و قابل لمس می‌شود. یعنی چه در مضمون و چه در شخصیت‌پردازی اگر کارکردی روزمره به اسطوره داده شود از شکل دور از دسترس بودن خارج می‌شود و این کار را «هزار و یک شب» با اسطوره انجام داده است.

کتاب مهندس‌پور در سطحی دیگر به تکنیک‌های به کار رفته در «هزار و یک شب» پرداخته است.اما این تکنیک‌ها چیست؟



«هزار و یک شب» بر است از داستان. این داستان‌ها هم تودرتویی بسیاری دارند، یعنی از دل داستانی به داستانی دیگر می‌رویم و گاه این تودرتویی تا آن‌جا پیش می‌رود که خرده داستان و روایت به وجود می‌آید. «هزار و یک شب» منبع بسیار خوبی است برای نوشتن داستان یا نمایش‌نامه یا فیلم‌نامه. هم به جهت سوه‌پردازی و هم به جهت الهام‌هایی که می‌توان از این کتاب گرفت و نیز کشف و به‌کارگیری تکنیک‌های به کار رفته در این اثر.

این کتاب را می‌توان کتاب بالینی تخیل دانست. کتابی که سرتاسر بر است از اتفاق و حادثه و همه این حوادث و اتفاق‌ها نیز بر پایه تخیل بنا گذاشته شده‌اند. اما چرا بر تخیل تأکید می‌کنم؟ از آن‌رو که در آفرینش‌گری ادبی و هنری بی‌شک یکی از مهم‌ترین وجوه خلق محسوب می‌شود. اما این تخیل چیست؟

آیا صرف داشتن تخیل می‌توان اثر هنری خلق کرد؟ آیا «هزار و یک شب» با پشتوانه تخیل بسیاری که در آن خرج شده به اثری ماندگار تبدیل شده است؟ این تخیل از کجا شکل می‌گیرد و بسیاری سؤال‌های دیگر که می‌توان به آن پرداخت. کتاب مهندس‌پور به این سؤال‌ها پاسخ می‌دهد. «زنانگی و روایت‌گری در هزار و یک شب» کتابی تکنیکی است.

یک بخش آفرینش‌گری ادبی و هنری، قصه‌پردازی و سوه‌یابی است و بخش مهم دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، تکنیک‌هایی است که در یک اثر به کار رفته است. تکنیک حاصل تخیل و ممارست است.

«هزار و یک شب» کتابی مخیل است متکی بر تکنیک‌ها و قصه‌های بی‌شماری که در خود جا داده است. فرهاد مهندس‌پور در کتاب خود به این تکنیک‌های اشاره کرده و نحوه قصه‌پردازی و روایت‌گری را در کتاب «هزار و یک شب» تشریح کرده است. در واقع می‌توان گفت که کتاب مهندس‌پور کتاب تکنیکی تخیل است. کتابی که به خواننده کمک می‌کند تا تخیل به کار رفته در «هزار و یک شب» را به صورت تکنیکی بشناسد.

«زنانگی...» در پنج فصل تنظیم شده است. «در جست‌وجوی شهرزاد روایتگر»، «گفت‌وگو و روایت‌گری ایرانی»، «روایت‌گری در هزار و یک شب»، «ریختار روایی هزار و یک شب» و «زنان در هزار و یک شب» عنوان‌های پنج فصل کتاب فرهادمهندس‌پور هستند.